

در بیشتر نقاط جهان کودکان و نوجوانان اکثریت جوامع را تشکیل می دهند و با این وجود هیچ تضمینی در جهت رعایت حقوق آنها توسط مسئولین و یا حتی اولیای آنها وجود ندارد. تعداد بیشماری از کودکان قربانی سوء استفاده و بی توجهی یا بهره کشی هستند و به ابعاد این پدیده تاکنون در هیچ منطقه ای از جهان، توجه کافی مبذول نشده است.

میلیون ها کودک و نوجوان ممکن است در اثر نیازهای اقتصادی، مسائل خانوادگی یا ترکیبی از این دو، به ناچار زندگی خود را در خیابان ها سپری می کنند. آنها به طور مداوم در حال فرار از خشونت و محیط خانوادگی نابسامان و گسسته می باشد.

کودکان خیابانی در زمره گروههای حاشیه ای بسیاری از جوامع محسوب می شوند. آنها قادر به برقراری ارتباطات مناسب با نهادهای عمده ی اجتماع نظیر خانواده، آموزش و بهداشت و سلامت نیستند. محیط خشن و تنش مداوم و سبک زندگی آنها را در برابر سوء مصرف مواد، آسیب پذیر می سازد و این می تواند رفاه و سلامت معنوی، جسمی، روانی و اجتماعی آنها را به مخاطره بیندازد. به علاوه این کودکان با تبعیض ها و مشکلاتی در دسترسی به خدمات بهداشتی و اجتماعی مواجهند. کودکان خیابانی به دلیل سبک زندگی ممکن است با مشکلات عمده سوء تغذیه و جراحات جسمی، مصرف مواد، مشکلات بهداشتی نظیر مشکلات تناسلی و جنسی روبرو شوند. این عوامل کارآمدی مداخلات و برنامه های مربوط به کودکان خیابانی را کاهش می دهد.

کودکان خیابانی در هر گوشه از جهان یافت می شوند و گروههای عمده ای از کودکان بی سرپرست در طول تاریخ در هر کشوری وجود داشته اند. آنها اغلب در مناطق شهری و بزرگ و در کشورهای در حال توسعه به چشم می خورند. اما مشکلات کودکان خیابانی متعاقب جهانی شدن و در سالهای اخیر به دلیل رشد ناموزون اقتصادی، تغییرات عمده سیاسی، افزایش تعداد خانواده ها گسسته و آشفته، بیماریهای اپیدیک نظیر ایدز و یا فجایع طبیعی افزایش یافته اند. تخمین

زده می شود بین ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود داشته باشد. این کودکان دارای سبک زندگی متغیر و متحرک بوده و در قبال سوء تغذیه، جراحات، مصرف مواد، بیماریهای جنسی تناسلی و کودک آزاری آسیب پذیرترند. کودکان خیابانی اغلب فشارهای روانی بسیاری را تجربه می کنند. حوادثی نظیر مرگ عزیزان، جنگ، تجاوز جنسی، آزار جسمی، تحقیر و خشونت، احساس طرد شدگی توسط اعضای خانواده، دوستان، محیط اجتماعی و عدم دسترسی به خدمات اجتماعی، تفریحی، فشارهای روانی و ناکامی هایی در پی و ...

مصرف مواد مخدر توسط این کودکان گاهی به قصد ایجاد هیجان است، و گاه به امید ایجاد تصویری بهتر از آینده، و گاه برای نجات از رنج های جسمی، و برخی اوقات برای کاهش احساس گناه ناشی از برقراری ارتباط جنسی برای دریافت پول.

اغلب اوقات زندگی کودکان خیابانی صرف کار و گذراندن زندگی، یافتن غذا، لباس، سرپناه و فرار از خشونت محیط و فرار از دستگیری توسط پلیس می شود. این تلاش روزانه موجب می شود که زمان کمی برای سایر مسائل زندگی خود داشته باشند. شاید مصرف مواد مخدر به عنوان طریقی آسان و سریع برای فرار از مشکلات روزمره مطرح باشد.

تغییرات و تحرک در زندگی نظیر نقل مکان از محله یا شهری به شهر دیگر، تغییر در گروههای همسان، شروع یک ارتباط عاشقانه، همیشه وقایعی پرفشار به شمار می روند، زیرا افراد در این موارد ناچارند رفتارهای غیر قابل انتظار از خود بروز دهند. اگر یک کودک خیابانی دارای دوستی باشد که مواد مخدر مصرف می کند، برای دریافت پذیرش و مقبولیت نزد وی ممکن است به تقلید رفتارهای اعتیادی وی بپردازد.